

کلام شیخ انصاری

مرحوم شیخ انصاری در مطارح الانظار، دو استدلال را برای قائلین به این نکته، مورد اشاره قرار می دهد:

«والمقول من احتجاجهما أمران:

أحدهما : أنه لولاه لامتنع النهي عنه ، والتالي باطل. وأمّا الملازمة : فلأنّ النهي عن صوم الحائض ويوم النحر ، إمّا أن يكون مع إمكان وجوده من المكلف مع قطع النظر عن النهي ، أو مع امتناعه لكونه أمراً فاسداً لا يمكن تحقّقه من الحائض وفي يوم النحر ، والأوّل هو المطلوب، والثاني هو المقصود بالتالي ، وبعد بطلانه تعيّن الأوّل.

الثاني : أنه لو لا دلالة النهي على الصحة لكان المنهيّ عنه الصوم الغير الشرعي ، وهو باطل ، لعدم الفرق بين متعلّق الأمر ومتعلّق النهي ، والملازمة ظاهرة.»^۱

توضیح:

۱. دلیل اول: اگر صحیح نباشد، نهی از آن محال است
۲. چرا که صوم عید قربان بعد از ورود نهی، یا ممکن است و یا محال است، و اگر محال است (چون فاسد است، پس وقوع آن محال است)، نهی هم از آن محال است. و چون نهی محال نیست، پس صوم عید قربان صحیح است.
۳. دلیل دوم: اگر نهی دال بر صحت نباشد، آنچه مورد نهی واقع شده است «روزه‌ی غیر مشروع» است، در حالیکه قطعاً متعلق نهی، «روزه غیر مشروع» نیست، چرا که متعلق نهی همان متعلق امر است و متعلق امر، «روزه غیر مشروع» نیست.

مرحوم شیخ سپس در توضیح این دو استدلال می نویسد که این دو استدلال بر دو مقدمه استوار است:

«واستقامة هذين الوجهين موقوفة على أمرين:

أحدهما : أن يكون ألفاظ العبادات والمعاملات - بل جميع موارد النهي - موضوعة لمعانيها الصحيحة الجامعة للأجزاء والشرائط.

وثانيهما : إمكان اجتماع الأمر والنهي العينيّين في أمر واحد شخصيّ.

إذ على تقدير طرؤ المنع بأحدهما لا يتمّ شيء منهما. أمّا الأوّل : فلأنّه لو قيل بكون الألفاظ موضوعة للأعمّ نختار إمكان وجود المنهيّ عنه من المكلف ، ولا يلزم محذور ، لأنّه لا يلزم الصحة ، لصدق المعنى على الفاسدة أيضاً. وأمّا الثاني : فلأنّه على تقدير امتناع تعلّق الأمر

^۱ . مطارح الانظار، ج ۱، ص ۷۶۳



والنهي بشيء يمتنع صحّة المنهيّ عنه ، لأنّ الصحّة فرع الأمر ، والمفروض امتناعه. وعلى قیاسه الدلیل الثانی ، كما هو ظاهر.^۱

توضیح:

۱. مقدمه اول: الفاظ عبادات و معاملات، برای «صحیح» وضع شده باشد [یعنی وقتی شارع می گوید «صوم یوم النحر» مرادش «روزه صحیح عید قربان» باشد و طبیعی است تنها در صورتی که روزه مذکور صحیح باشد، مقدور است و نهی از آن ممکن می شود]

۲. مقدمه دوم: «عنوان واحد» بتواند هم منهی عنه باشد هم مأمور به [و الا اگر فقط منهی عنه باشد و با وجود نهی، امر زائل شود، در این صورت، عمل عبادی نمی تواند صحیح واقع شود]

۳. اما مقدمه اول لازم است چرا که: اگر مراد از «صوم یوم النحر»، اعم از صحیح و فاسد باشد، در این صورت، می توانیم بگوییم با وجود نهی، روزه مذکور، فاسد است ولی فاسد مقدور است و نهی به همان فاسد تعلق گرفته است

۴. و اما مقدمه دوم لازم است چرا که: اگر تعلق امر و نهی به یک عنوان واحد محال باشد، با وجود نهی، امر موجود نیست و بدون امر، عبادت باطل است

ما می گوییم:

۱. مرحوم شیخ از این مطلب پاسخ می دهد:

«فالجواب عنهما: أنّه إن ارید من «الصحّة» كون المنهیّ عنه مأمورا به، فقد عرفت - فی المسألة السابقة - امتناعه علی وجه لا مزید علیه، فنختار إمكان وجود المنهیّ عنه، وهو لا یلازم الصحّة بمعنی موافقة الأمر. وإن ارید من «الصحّة» كون المنهیّ كامل الأجزاء والشرائط مع قطع النظر عن النهی المتعلّق به، فهو حقّ علی القول بالصحیح إذا لم یکن تعلق النهی بالعبادة أو المعاملة کاشفا عن عدم اجتماعهما الشرائط الوجودية والعدمیّة، فیکون استعمال لفظ «البيع» و «الصلاة» فی موارد النهی مجازا باعتبار المشاکلة والمشابهة ونحوها. ولكن ینبغی أن یعلم أن ذلك إنّما هو بواسطة مادة المنهیّ عنه، وليس للنهی مدخل فی ذلك، كما هو ظاهر»^۲

توضیح:

۱- اگر صحت به معنای «مأمور به» بودن است، در این صورت آنچه منهی عنه است نمی تواند مأمور به باشد.

۱. همان

۲. همان، ص ۷۶۴



